

علم اصول الفقہ

۱۹

۳-۸-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدی الهادی الطهرانی

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است غیر از عامل مذکور، عوامل دیگری نیز در رکود مؤثر بودند. وی حتی تأثیر این عامل، یعنی پیشگامی شیخ را نتیجه‌ی تأثیر عوامل دیگر می‌داند.
- در نظر این شهید بزرگوار سه عامل، باعث رکود فقه و اصول در شیعه گشت:

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- أ. هجرت به نجف و عدم همراهی شاگردان: همان گونه که قبلاً گفتیم، شیخ طوسی در سن ۲۳ سالگی به مدت پنج سال، درس شیخ مفید را درک کرد و بعد از رحلت وی مدت بیست و سه سال در محضر درس سید مرتضی رفت. پس از وفات استاد دیگر خویش، بر مسند مرجعیت شیعه در بغداد نشست.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- موقعیت علمی شیخ در بغداد به گونه‌ای بود که خلیفه‌ی وقت، القائم بامر اللّٰه، کرسی کلام و افاده را در اختیار شیخ طوسی قرار داد. این کرسی به تعبیر سید محسن امین جایگاه و مقام بالایی را می‌طلبید و به اندک افرادی اعطا می‌گشت. شیعیان از مناطق مختلف به بغداد می‌آمدند و گرداگرد شیخ جمع می‌شدند. تعداد شاگردان شیخ طوسی به اندازه‌ای زیاد بود که فقط سیصد نفر آنها مجتهد شیعی بودند*.
- *از وحید بهبهانی نقل شده است که این تعداد، عدد مجتهدان شیعه و سنی حاضر در درس شیخ بود. ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۵۹؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۶۵.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- طغرل بیک اولین پادشاه سلجوقی در سال ۴۴۷ هـ. ق به بغداد حمله کرد و کتابخانه‌ی شیعه * را که توسط ابونصر، وزیر بهاء الدوله‌ی بویه‌ی از آل بویه تأسیس شده بود، به آتش کشید.
- * این کتابخانه، کتابخانه‌ی منحصر به فردی بود. گفته‌اند ده‌ها هزار کتاب در آنجا نگهداری می‌شد که اکثر آنها به خط نویسندگان اصلی این کتب بود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- درگیری‌ها همچنان ادامه داشت تا این که در سال ۴۴۸ هـ. ق خانۀ شیخ طوسی مورد هجوم قرار گرفت و شیخ از بغداد به نجف متواری شد. نقل شده است خانۀ و کتابخانۀ شخصی شیخ در سال ۴۴۹ هـ. ق تماماً در آتش سوخت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- نجف در آن زمان صرفاً یک زیارتگاه شیعی بود و عده‌ی کمی در اطراف زندگی می‌کردند کار این عده خدمت به زائران حرم علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- برخی گفته‌اند: قبل از هجرت شیخ به نجف، در آنجا حوزه وجود داشت و شاهد بر این مطلب را، اجازات علمایی می‌دانند که در آنها اسم نجف به عنوان مکان اجازه برده شده بود*.
- * از جمله‌ی آنها اجازه‌ای است که نجاشی نقل کرده است. ربک: نجاشی، الفهرس، ص ۵۰، رقم ۱۶۲.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- اما سید محسن امین این رأی را نمی‌پذیرد. وی می‌گوید: نجف محل زیارت افراد مختلف از جمله علما بوده است و چه بسا عالمی، عالمی دیگر را در نجف می‌دیده و از او اجازه‌ی روایی و یا... می‌گرفته است. پس صرف نام نجف در اجازات دلیل بر وجود حوزه‌ای در آنجا نیست.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شیخ پس از ورود به قریه‌ی کوچک نجف، حوزه‌ی نجف را پایه-ریزی می‌کند. آمدن شیخ به نجف فوایدی را نیز در پی داشت. مرحوم تستری صاحب کتاب مقابس الانوار که در زمینه-ی فقه است و کتاب کشف القناع عن وجه الاجماع که در زمینه-ی اصول است، در مورد هجرت شیخ طوسی به نجف می‌گوید: این هجرت یک موهبت الهی بود. شیخ که در بغداد مشغله‌های فراوان داشت، با هجرت به نجف فراغتی یافت تا به کارهای مهم علمی پردازد.

ر.ک: شیخ اسد الله تستری، مقابس الانوار، ص ۵، ترجمه‌ی شیخ طوسی؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۶۳-۶۴.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- اما شیخ با هجرت به نجف شاگردان با سابقه، توانمند و برجسته‌ی خویش را از دست داد و به جای آنها، شاگردان جوان و کم سن و سال که توانایی ادامه‌ی مسیر را ندارند و نمی‌توانند خود را به قله‌ی شیخ طوسی برسانند، در محضر درس مرجع شیعه حاضر شدند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شاگردان اصلی شیخ در نجف، فرزندان او بودند که بعد از رحلت وی نیز مرجعیت شیعه و ریاست حوزه‌ی نجف را بر عهده داشتند. افرادی نیز از زایران، ساکنان نجف و مناطق نزدیک مثل حله از شاگردان مرحوم شیخ در این دوره بودند. شیخ در نجف با شاگردانی روبرو است که توانایی علمی شاگردان وی در بغداد را ندارند. برخی از شاگردان شیخ در بغداد، درس شیخ مفید یا سید مرتضی را دیده و بعد در درس شیخ طوسی آمده بودند و برخی در فقه و رجال تألیفاتی داشتند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است عدم همراهی این شاگردان برجسته با شیخ طوسی، سبب گشت کار علمی شیخ طوسی بعد از او پی گیری نشود. کسی وجود نداشت که بتواند تا آن سطح که شیخ رفته بود، برود و بعد بتواند جلوتر از آن را ببیند و به مرتبه‌های بالاتر علمی صعود نماید. نوآوری و رشد علمی، نیازمند فتح قله‌های جدید است و فتح هر قله متوقف بر ارتقا به قله‌های موجود می‌باشد و چنین صعود کنندگانی در نجف نبودند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- این نکته‌ی بسیار مهمی است. تاریخ همواره بیانگر موفقیت دانشمندانی بوده که شاگردان پیرو راه و مسلک خویش داشتند. آثار این دانشمندان به دست شاگردان توانمند و برجسته حفظ و رشد کرده است. هر دانشمندی که از چنین نعمتی برخوردار نبوده، هر چند ممکن است خود درخشیده و در دوره‌ای جرقه‌ای ایجاد نموده باشد؛ اما نتوانسته در ادامه‌ی تاریخ علمی، اثر بگذارد، آن طرح نو و ابتکار او با توقف و رکود همراه گشته و مسیر خویش را ادامه نداده است.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر بر عدم همراهی شاگردان شیخ با او در نجف شواهدی ذکر می‌کند:

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ۱. نقل‌های تاریخی نشان نمی‌دهند که شاگردان قدیمی شیخ طوسی از بغداد به نجف آمده یا بعد از مدت کوتاهی خود را به او رسانده باشند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

• ۲. بعد از شیخ طوسی، پسرش مفید ثانی * مرجعیت و زعامت حوزه را به عهده می‌گیرد. با توجه به کم سن و سال بودن این شخصیت معلوم می‌گردد شاگردان مسن و با سابقه‌ی شیخ در بغداد به نجف نیامده بودند.

• * در مقابل شیخ مفید که به مفید اول معروف بود، پسر شیخ طوسی به مفید ثانی شهرت یافت. وی در سال ۵۱۵ هـ ق یعنی ۶۵ سال بعد از پدر خویش از دنیا رفت. از این روی قاعدتاً در زمانی که در نجف در درس پدر خویش حضور می‌یافته، سن کمی داشته است. مفید ثانی اجازه‌ی خویش را در سال ۴۵۵ هـ ق یعنی ۵ سال قبل از رحلت شیخ طوسی، از پدر دریافت کرد و بعد از رحلت پدر زعامت و مرجعیت را عهده دار شد. ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۰.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- در اینجا می‌توان نکته‌ای را که سید محسن امین در وفات شیخ طوسی ذکر می‌کند، به عنوان شاهد دیگر به شواهد مذکور اضافه نمود. سید محسن امین نام شاگردانی را که بعد از رحلت شیخ به تجهیز و دفن بدن وی پرداختند، می‌برد؛ اما در بین آنها، معاریف و برجستگانی از شاگردان شیخ طوسی دیده نمی‌شوند که صاحب تألیفات باشند. همین امر بیانگر عدم همراهی شاگردان بغداد با وی است.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ب. عظمت شیخ طوسی: همان گونه که قبلاً نیز گفتیم، این عامل، عاملی است که اکثر علما در مورد رکود صد ساله بیان کرده‌اند و شاید تنها عاملی باشد که آنها گفته‌اند. این جمله در عبارات علما فراوان دیده می‌شود که عظمت شیخ باعث شد تا یک قرن، دانشمندان بعد از شیخ جرأت بیان مطالبی غیر از آنچه شیخ گفته بود، نداشته باشند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر در اینجا به قصه‌ای اشاره می‌کند. وی می‌گوید: در این دوره حتی بعضی خواب دیدند که امیر مؤمنان علی علیه السلام در خواب فرمودند: همه‌ی مطالب نهایی شیخ درست است و کسی حق ندارد به غیر نهایی شیخ طوسی فتوا دهد. شهید صدر معتقد است رواج چنین خوابی و طرح آن، نتیجه‌ی فضایی است که در آن زمان وجود دارد. شیخ طوسی، آنقدر با هیمنه و عظمت است که کسی جرأت اظهار نظر در مقابل او را به خود نمی‌دهد.*
- *در زمینه‌ی نظر علمای بعد از شیخ نسبت به شیخ ر. ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۶۶.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است این عامل به دلیل عامل اول، یعنی هجرت به نجف و عدم همراهی شاگردان بغداد، چنین تأثیری را گذارده است. علت جرأت نکردن علما برای اظهار نظر در مقابل شیخ، پایین بودن سطح علمی و دانش آنها است. آنها به علت جوان بودن نمی‌توانستند با آرا و اندیشه‌های شیخ طوسی، مواج‌های منطقی و قوی داشته باشند و جسارت و توان علمی نقد آرای او را نداشتند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ج. همزمانی رکود در حوزه‌ی شیعه با رکود در حوزه‌ی سنی: در مدتی که حوزه‌ی شیعه با رکود مواجه بود، حوزه‌ی سنی نیز دچار رکود گشت و عالمان برجسته و صاحبان فکر و اندیشه‌ی نو در بین آنها نبود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر می گوید: بین حوزه‌ی شیعه و حوزه‌ی سنی تعاملی وجود داشت. از طرفی دانشمندان سنی بحث-هایی را مطرح می‌کردند که علمای شیعه را بر آن می‌داشت تا نقطه نظرات خویش را در آن زمینه مطرح کنند و از سویی دیگر دانشمندان و عالمان شیعی بحث-هایی را طرح می‌نمودند که اهل سنت لازم می‌دیدند به آن بحث‌ها پردازند. در واقع نوعی داد و ستد بین این دو حوزه وجود داشت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- در زمان سید مرتضی و شیخ طوسی این دو حوزه در هم آمیخته بود. هم عالمان سنی تدریس می‌کردند و هم عالمان شیعه. هر دو به هم احترام می‌گذاشتند. برخی از دانشمندان سنی در مورد زندگی-نامه‌ی شیخ طوسی و شیخ مفید مطالبی می‌نوشتند و از آنها به تجلیل و عظمت یاد می‌کردند. دیدگاه‌های هر یک از دو حوزه در حوزه‌ی دیگر مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- با مراجعه به آثار سید مرتضی و شیخ مفید واضح می‌گردد که چقدر آنها به مباحث اهل سنت توجه داشتند و چقدر سخنان آنها ناظر به مباحث اهل سنت است. البته بیشترین هم شیخ مفید در حوزه‌ی مباحث کلامی بود؛ ولی در حوزه‌ی فقه نیز اثری مثل مقنعه کار بسیار مهمی به شمار می‌آمد.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- وقتی شیخ طوسی از بغداد که مرکز تعامل این دو حوزه بود، هجرت نمود و به نجف رفت، حوزه‌ی شیعه از حوزه‌ی سنی جدا شد. از طرف دیگر در خود حوزه‌ی سنی رکود علمی پیدا شد. در آن روزگار دیگر دانشمند برجسته‌ای بروز نیافت. عدم تعامل بین حوزه‌ی شیعه و سنی و رکود در حوزه‌ی سنی، سبب رکود در حوزه‌ی شیعی گشت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر برای رکود در حوزه‌ی شیعی شاهی ذکر می‌کند. آن شاهد عبارتی از غزالی است. غزالی (متوفای ۵۰۵ هـ. ق یعنی ۵۵ سال بعد از رحلت شیخ طوسی) در ذکر آداب مناظره می‌گوید: شخص مناظره کننده باید مجتهد باشد. این که بگوید ابوحنیفه چنین گفته، شافعی چنان گفته، درست نیست خود باید در مناظره صاحب نظر باشد.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر از این عبارت، غلبه‌ی ناقلان فتوی را بر مفتیان و مجتهدان استفاده می‌کند و می‌گوید: عبارت غزالی بیانگر این است که در آن فضا نوعاً فتوای ابوحنیفه و شافعی نقل می‌شده است. پس معلوم می‌گردد در حوزه‌ی سنی با رکود مواجه هستیم.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- آنچه شهید صدر از عبارت غزالی برداشت نموده، از این عبارت فهمیده نمی‌شود. کلمات غزالی، وجود علما و مجتهدان را نفی نمی‌کند.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ا. بررسی عامل اول: درست است که نداشتن شاگردان قوی، یکی از عوامل توقف مسیر یک متفکر و دانشمند به حساب می آید، اما رکود یک قرن، رکود طولانی-ای است. آیا می توان با جوان بودن شاگردان شیخ در نجف که شهید صدر اصرار دارد آن را بپذیریم و می پذیریم، عامل رکود فقه و اصول را در مدت صد سال توجیه نمود.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- درست است که مبسوط، آخرین کتاب فقهی شیخ و به گفته‌ی برخی: آخرین کتاب زندگی شیخ، در نجف نوشته شده و شاگردان نجف توان علمی نقد آن را نداشتند، اما عدة الاصول شیخ در زمان حیات سید مرتضی و در زمانی که هنوز ذریعه شناخته نشده بود، به رشته‌ی تحریر در آمده است. شیخ طوسی دوازده سال بعد از وفات سید مرتضی هنوز در بغداد اقامت داشت و ظاهراً بین زمان نوشته شدن «عدة» تا هجرت به نجف بیست سال فاصله است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- در این مدت شاگردان برجسته‌ی شیخ با او بودند و در درس او شرکت می‌کردند؛ شاگردان با سابقه‌ای که برخی از آنها درس شیخ مفید و سید مرتضی را هم دیده بودند. پس چرا در اینجا نیز با رکود یک قرنه مواجه هستیم؟ چرا شاگردان با سابقه‌ی شیخ در حوزه‌ی بغداد و به تعبیر شهید صدر حوزه‌ی اساسی قوی شیعه، به تألیف و تصنیفی در اصول اقدام نکردند تا قدمی بعد از شیخ طوسی محسوب شود؟

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ب. بررسی عامل دوم: دیدیم شهید صدر تأثیر عامل دوم را نتیجه‌ی تأثیر عامل اول دانست و عدم جرأت علمای بعد از شیخ برای نقد آرای وی را نتیجه‌ی پایین بودن سطحی علمی آنها قلمداد کرد.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- فرمایش شهید صدر اگر چه در بردارنده‌ی نکته‌ی درستی است اما چیزی که باید روی آن تأکید نمود و شهید صدر به آن التفات داشته، پرش و خیز بلند شیخ طوسی در مباحث علمی است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- مبسوط شیخ با آن همه گسترش و تفریعات و ابواب گوناگون، در فضایی نوشته می‌شود که علمای دیگر اصرار بر متن روایت دارند و حتی نقل به معنا هم نمی‌کنند. عده‌ی شیخ در کنار ذریعه و پا به پای آن بروز می‌یابد و اگر چه بسیار از آثار سید مرتضی تأثیر می‌پذیرد، اما بیان ابواب تازه‌ای در اصول است. تبیان شیخ طوسی آن قدر اهمیت دارد که ابن ادریس با آن همه تعابیر تند نسبت به شیخ، از آن بسیار تجلیل می‌کند و کار شیخ را در تبیان تحسین می‌نماید. کارهای دیگر شیخ نیز در نوبه‌ی خود حاوی مطالب نو و تازه و طرح‌های ابتکاری است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- شیخ طوسی نابغه‌ی کم نظیری بود. او دانش دینی را در حوزه‌های مختلف به قدری جلو برد که حتی دانشمندان و علمای بغداد توان رسیدن به او را نداشتند؛ چه رسد به نقد و بررسی آثار او.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- توانایی فقهی شیخ و تسلط وی بر مباحث فقهی، سبب احتیاط علمای بعد از شیخ در مخالفت با او گشت به گونه‌ای که ابن ادریس* و علمای بعد از او از این صد سال به دوران تقلید یاد می‌کنند و علمای این دوران را مقلد معرفی می‌نمایند.
- *عمر ابن ادریس کوتاه بود. برخی علت کوتاهی عمر وی را، حمله به شیخ طوسی و نگه نداشتن حرمت او می‌دانند. ابن ادریس در همین عمر کوتاه خویش، سرائر را می‌نویسد که یکی از یادگارهای مهم فقه شیعه است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- علمای بعد از شیخ مبانی و روش شیخ را در اصول نقد نمی‌کردند و آرای فقهی شیخ را که بر اساس همان مبانی اصولی بود، می‌پذیرفتند و بر اساس آن حکم می‌کردند. از این روی ابن ادریس که بعد از یک قرن قصد شکستن این جو را دارد، مجبور است قدری تند برخورد نماید.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ناگفته نماند که عظمت شیخ طوسی به گونه‌ای است که با وجود هجوم ابن ادریس و وجود منتقد دیگری در همان زمان، یعنی سید بن زهره*، محقق حلی و علامه‌ی حلی در دوران شکوفایی حوزه‌ی حله باز به شدت تحت تأثیر آرای شیخ طوسی‌اند و این تأثیر تا مدت‌ها بعد حتی تا زمان نزدیک زمان آیت‌الله بروجردی ادامه دارد.
- * کتاب غنیه‌ی سید بن زهره و کتاب سرائر ابن ادریس تقریباً همزمان نوشته شده و هر دو نقد آرای شیخ طوسی به حساب می‌آید. کتاب غنیه هم اصول است هم فقه؛ یک پنجم ابتدای آن در مورد اصول و بقیه در زمینه‌ی فقه می‌باشد؛ اما کتاب سرائر فقط در مورد فقه است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- شاگردان آقای بروجردی فراوان نقل می‌کنند که ایشان در هر جا به نتیجه‌ای خلاف فتوای شیخ طوسی دست می‌یافت، فتوا نمی‌داد و احتیاط می‌کرد؛ با این که از نظر استدلال، استدلالش خلاف استدلال شیخ طوسی بود.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- اضافه بر این مطلب، یعنی تأکید بر خیزش علمی شیخ طوسی، اگر تأثیرپذیری عامل دوم از عامل اول را بپذیریم، این سؤال همچنان باقی است که چرا عده‌ی شیخ طوسی که در حیات سید مرتضی و در بغداد و در کنار شاگردان قوی، نوشته شده، مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است؟

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ج. بررسی عامل سوم: درست است که رشد یک اندیشه همواره بر هجوم اندیشه‌های دیگر توقف دارد و ایستایی اندیشه‌های دیگر در رشد یک اندیشه خلل ایجاد می‌کند، اما این عامل، عاملی نیست که بتواند رکود یک قرنه و تقلید یک قرنه را به صورت کامل توجیه کند.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- به طور مثال، هر چند دوران شکوفایی فقه شیعه در زمانی است که از سوی علمای اهل سنت به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد و در نتیجه خبرگان و برجستگان حوزه‌های شیعه را بر آن می‌دارد که در توسعه‌ی مباحث شیعه، طرح اندیشه‌های شیعه و تقویت آنها بکوشند؛ اما چیز دیگری در اینجا لازم است تا بتواند پاسخ-گوی این نیازها باشد.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- اگر برجستگان نباشند، صرفاً وجود هجمه برای رشد فقه در حوزه‌ی شیعه کافی نیست. بنابراین، این نخبگان و نوابغ هستند که می‌توانند در چنین چالش و رویارویی به مقابله برخیزند و اندیشه‌های شیعه را قوی، منطقی و متین مطرح کنند.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- بعد از شیخ طوسی، فرزندان شیخ که چراغ مرجعیت را در خانه‌ی شیخ روشن نگه داشتند، ظاهراً از آن توان علمی برخوردار نبودند. شاید ضعف علمای بعد از شیخ نسبت به خود او، یکی از عوامل اصلی باشد که همه‌ی عوامل سه گانه به همین عامل باز گردد.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- یعنی حوزه‌ی نجف جوان بود، شاگردان آن قوت و توان شیخ را نداشتند، از سوی دیگر عظمت شیخ به حدی بود که آنها توان رسیدن به او را نداشتند و از سوی سوم، حوزه‌ی سنی هم دچار رکود شده بود. البته شاید اگر حوزه‌ی سنی هم دچار رکود نمی‌شد، به دلیل ناتوانی علمای بعد از شیخ چندان شاهد شکوفایی حوزه‌ی شیعی نبودیم.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- این مطلب که در مورد عامل سوم شهید صدر گفتیم، در صورتی است که رکود در حوزه‌ی سنی را در طول این یک قرن بپذیریم. اما رکود حوزه‌ی سنی در این دوران و پذیرش آن، نیاز به بررسی و تأمل بیشتری دارد. از این روی دوباره نظری به تاریخ آن زمان می‌افکنیم.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- طغرل، اولین پادشاه سلجوقی، در سال ۴۴۷ هـ. ق به بغداد حمله کرد. شیعه در این زمان بسیار مورد هجوم قرار گرفت. پادشاهان سلجوقی که ترک‌های حنفی مذهب بودند، بعضی از زمامداران مرتبط با فاطمیه‌ی مصر را در بغداد سرنگون کردند و علیه شیعه بسیار جوسازی نمودند.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- اهل سنت که تا آن زمان امکان فعالیت علیه شیعه را نداشتند، با ظهور سلجوقیان فرصت در تنگنا قرار دادن شیعیان را یافتند. محله‌ی شیعه نشین و مهم بغداد، محله‌ی کرخ که شیخ نیز در آنجا زندگی می‌کرد، مورد هجوم قرار گرفت و در سال ۴۴۸ هـ. ق شیخ به نجف متواری شد. خانه و کتابخانه‌ی شیخ نیز در درگیری‌های بغداد سوخت و از بین رفت.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- مورخان در شرح اوایل دوران سلجوقیان می نویسند: شیعیان خود را مخفی می کردند و در تقیه به سر می بردند. بسیاری از شیعیان با صرف مبالغ زیادی، از دیگران می خواستند که آنها را سنی معرفی کنند تا مبادا گرفتار گردند.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- یکی از مورخان بزرگ تعدادی از علمای بزرگ شیعه را در ری نام می‌برد که در همین دوران آنها را در ملا عام حاضر کردند و عمامه از سر آنها برداشتند. به آنها اهانت کردند و خوارشان نمودند تا به قول خودشان: این رافضی‌های بد مذهب دیگر جرأت نکنند کار خود را ادامه دهند و دوباره حرف‌های قبلی را تکرار نمایند. از جمله علمایی که این مورخ نام می‌برد، نوهی مرحوم صدوق، حسن بن حسین بن حسن بن بابویه قمی (از شاگردان جوان شیخ طوسی در نجف) و تعدادی از خاندان بابویه مثل ابوطالب بابویه است. ری در آن موقع از مراکز مهم شیعی به حساب می‌آمد.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- با این وصف معلوم می‌شود شرایط آن دوره به گونه‌ای بوده که حتی حرمت علمای شیعه را نگه نمی‌داشتند. در قبل برخی از آنها چون شیخ طوسی در پایتخت از خلیفه‌ی اسلامی، کرسی درس می‌گرفتند، اما وضعیت در این دوران به جایی می‌رسد که علمای شیعه در ملاً عام تحقیر می‌شوند.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- این وضعیت تا مدتی به همین منوال بود تا این که در ادامه‌ی حکومت سلجوقیان، شیعیان دوباره رشد کردند و حتی برخی به دربار نیز راه یافتند و تا سطح وزارت پیش رفتند. شخصیتی به نام مجد الملک قمی که در ۴۹۲ هـ. ق به شهادت رسید وزیر **برکیارق**، پادشاه بعد از طغرل، بود و در همین زمان برکیارق، شیعی دیگری به نام استاد علی قمی نفوذ داشت که مورد تجلیل مورخان قرار گرفته و او را تنها عاقل تشکیلات حکومتی نامیده‌اند. تاریخ نویسان در توصیف این تغییر و تحول می‌نویسند: در این دوران شیعیان بدون ترس اظهار تشیع کردند.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- فشار بر شیعیان و در تنگنا قرار گرفتن آنها در اوایل دوره‌ی سلجوقی، خود یکی از دلایل رکود تفکر شیعی نیز هست. زمانی که شیخ به نجف هجرت کرد، دوران سخت در تنگنا بودن شیعه است؛ در حالی که در همین دوران تفکر سنی تحت حمایت حاکمان سنی و متعصب قرار داشت.

ب. نظامیه‌ها و حمایت از اهل تسنن

- در همین دوران سلجوقی، شخصیتی به نام خواجه نظام الملک که یک ایرانی شافعی مذهب و بسیار متعصب و نسبت به شیعه بسیار تند است، نفوذ فراوانی پیدا کرد. وی نظامیه‌ای تشکیل داد که مرکز علمی شافعی شد. گسترش مذهب شافعی بسیار مرهون همین نظامیه است. بعد از خواجه نظام الملک، وزارت به فرزندان او منتقل شد که هر یک در گسترش این مذهب، نقش بسیار اساسی را ایفا کردند.

ب. نظامیه‌ها و حمایت از اهل تسنن

- نظام الملک، مدارس نظامیه را در شهرهای مختلف تأسیس کرد که مهمترین آنها، نظامیه‌ی بغداد بود. این مدارس با امکانات بسیار و ساختمان‌های مجلل و همراه با نظم خاصی که نظام الملک به آنها داده بود و مدیریت آنها توسط خود نظام الملک تعیین می‌شد، دانشجو می‌پذیرفت و عمدتاً برای ترویج مذهب شافعی که مذهب خود نظام الملک بود، بنا شده بود. خواجه نظام الملک مدت بیست سال وزارت را بر عهده داشت و بعد از وی به فرزندان او که آنها هم سنی و متعصب و ضد شیعه بودند، منتقل شد.

ب. نظامیه‌ها و حمایت از اهل تسنن

- ما در این دوره شاهد ظهور علمای معروف سنی هستیم*:
- ا. زمخشری، صاحب کشاف، متولد سال ۴۶۷ هـ. ق - هفت سال بعد از فوت شیخ طوسی - و متوفای ۵۳۸ هـ. ق.
- ب. فخر رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ. ق، در اواخر دوران سلجوقی.
- ج. رشید الدین میبدی، صاحب تفسیر میبدی معروف، متوفای سال ۵۲۰ هـ. ق.
- د. ابو بکر عتیق نیشابوری صور آبادی، صاحب تفسیر صور آبادی، متوفای ۴۹۴ هـ. ق. (قصص قرآن این تفسیر منتشر شده است).
- *البته طبرسی، عالم شیعی، متوفای ۵۴۸ هـ ق و صاحب تفسیر مجمع البیان از علمای همین دوره است.

ج. اتهام شیعه‌ی امامیه به باطنی-گری

- ظهور اسماعیلیه و حسن صباح در دوره‌ی سلجوقی یکی دیگر از مشکلات شیعه در این دوران به شمار می‌آید. حسن صباح خود شیعه بود؛ اما بعد در فرقه‌ی اسماعیلیه داخل گشت. این فرقه بسیار قوی بود و به عنوان باطنی یا قرامطه شناخته می‌شد. خصوصیت این گروه ترور بود. آنها یک خلیفه عباسی، چندین شاه و وزیر، شخصیت‌های علمی، قضات و مفتیان را ترور کردند. شیعیان اسماعیلی تحت حمایت دولت فاطمیه‌ی مصر بودند. این گروه چون خود را شیعه معرفی می‌کردند، بسیاری از اوقات با شیعه‌ی امامیه یکی شناخته می‌شدند و فرقی بین آنها گذاشته نمی‌شد.

ج. اتهام شیعه‌ی امامیه به باطنی-گری

- حکام وقت از چهره‌ی بد اسماعیلیه استفاده می‌نمودند و شیعه را با آنها یکی می‌شمردند و در نتیجه با آنها به مقابله می‌پرداختند و در این میان حتی بعضی از شیعیان امامی به تهمت اسماعیلی بودن گشته می‌شدند.

ج. اتهام شیعه‌ی امامیه به باطنی-گری

- بعضی از مورخان منصف اهل سنت نوشتند که مثلاً فلان شخصیت که رمی به قرامطه شده، اسماعیلی و باطنی نیست، بلکه شیعه‌ی دوازده امامی است. این مطلب نشانگر آن است که خود هم می‌دانستند برخی از علما متهم به باطنی-گری می‌شدند و واقعاً در آن فرقه نبودند.

ج. اتهام شیعه‌ی امامیه به باطنی-گری

- اتهام شیعه به باطنی-گری و قرامطه خود یکی دیگر از دلایل رکود تفکر شیعی در دوران سلجوقی و طول یک قرن بعد از رحلت شیخ طوسی است.

د. عدم ارتباط قوی بین حوزه‌ی شیعی و شیعیان

- کم شدن ارتباط علمای نجف و احياناً علمای بغداد با داخل ایران که مرکزیت شیعه را تشکیل می‌داد، یکی دیگر از مشکلات تشیع در آن دوران بود که می‌توانست به رکود علمی شیعه کمک نماید.

د. عدم ارتباط قوی بین حوزه‌ی شیعی و شیعیان

- در دوران سلجوقی جمعیت اصلی شیعه در ایران بود. با وجود رواج سنی-گری، تسنن به بعضی شهرها اصلاً راه پیدا نکرد، اگر چه شهرهایی هم بودند که سنی شدند. قم، کاشان، ورامین، منطقه‌ی طبرستان و بخش‌هایی از اهواز از مناطق شیعه نشین به حساب می‌آمد. به دلیل مشکل شدن ارتباطات، رابطه‌ی نجف که حوزه‌ی جدید شیعی بود و احیاناً رابطه‌ی بغداد که هنوز عالمانی را در خود داشت، با این شهرها کم گشت. شیعیان در این دوره با علمای خود کمتر از تباط داشتند.

د. عدم ارتباط قوی بین حوزه‌ی شیعی و شیعیان

- البته ناگفته نماند که تأسیس شهر شیعی حله، توسط صدقه بن مزید نیز در همین دوران سلجوقی است. صدقه بن مزید در سال ۵۰۲ هـ ق به شهادت رسید. حله بعدها مرکز تشیع گشت و در دوره‌ای پذیرای مهمترین حوزه‌ی شیعی شد.

ارزیابی ادعای رکود حوزه سنی

- با این وصف، در دوران بعد از شیخ طوسی، یعنی حدود ۴۶۰ هـ. ق تا حدود ۵۶۰ هـ. ق که ظهور ابن ادریس و ابن زهره را شاهد هستیم، از یک سو شیعه مدتی در تنگنای شدید و در سختی به سر می‌برد و از سوی دیگر به باطنی-گری متهم می-گشت.

ارزیابی ادعای رکود حوزه سنی

- حال آن که در همین دوران ترویج فراوانی نسبت به تسنن وجود داشت به گونه‌ای که شاهد رونق حوزه‌ی سنی نظامیه هستیم. در این دوران اندیشه‌های سنی، به خصوص اندیشه‌هایی که مورد حمایت قدرت‌ها بودند - مثل شافعی‌ها که تحت حمایت خواجه نظام الملک و احناف که تحت حمایت شاهان سلجوقی بودند - رشد فراوانی یافتند.

ارزیابی ادعای رکود حوزه سنی

- البته درگیری‌های مذهبی بین اهل سنت هم در همین دوران بسیار زیاد است. جنگ‌های فروان مذهبی، در داخل شهرها وجود داشت. برخی مورخان نقل می‌کنند: هر شب اهالی یک محل به اهالی محله‌ی دیگر که مذهبی متفاوت داشتند، شبیخون می‌زدند. فرقه‌های مختلف فقهی و کلامی با هم درگیرهای فراوانی داشتند که نوعی تضعیف در تفکر سنی را موجب می‌شد.

ارزیابی ادعای رکود حوزه سنی

- اما با این حال، رکود چندان آشکاری در حوزه‌ی سنی وجود نداشت؛ بلکه به یک معنایی بر اثر حمایت وزرا و پادشاهان سلجوقی گسترش هم یافته بود. پادشاهان سلجوقی همگی سنی و متعصب بودند. وزرای آنها نیز نوعاً همین گونه بودند و دوران وزارت افرادی چون مجد الملک قمی بسیار اندک بود. از این روی عوامل سیاسی به نفع جهان تسنن رقم خورد و قاعدتاً نباید اندیشه‌ی سنی در این دوره گرفتار رکود شده باشد.

أ. فشار بر شیعیان در زمان سلجوقیان

- بنابراین این ادعا که حوزه‌ی سنی به گونه‌ای بود که اقتضای پیدایش حرف‌ها و مباحث تازه و نو در حوزه‌ی شیعی را نمی‌کرد، ادعای درستی نیست، چرا که عالمان سنی بودند و حوزه‌ی اهل تسنن رواج داشت.

عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- با همه‌ی این احوال و با همه‌ی مشکلات تاریخی، عمده‌ترین عامل رکود علمی در طول یک قرن بعد از رحلت شیخ طوسی، خود شیخ طوسی است.

عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- بدون شک عوامل دیگر همچون فشار شدید بر شیعیان در اوایل دوران سلجوقی و ظهور دولت اسماعیلی در ایران نیز در رکود شیعه در دوران صد ساله مؤثر بودند؛ اما شیخ آن قدر در نظر علمای بعد از خودش عظمت داشت که جرأت مخالفت با او را به خود نمی دادند. از مهم ترین عواملی که می توان در کنار عظمت شیخ طوسی شمرد، نبودن افراد برجسته بود؛ افرادی که بتوانند به سطح علمی شیخ برسند و فراتر از آن را نیز بینند.

عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- شاید افراد نابغه و با استعداد وجود داشتند، اما استعداد و نبوغ به تنهایی کافی نیست. این استعدادها نیاز به اساتید برجسته دارد تا درست پرورش یابد. خود شیخ طوسی اگر شاگردی شیخ مفید و سید مرتضی را نکرده بود، نمی توانست شیخ طوسی باشد. راه علم بردنی نیست، رفتنی است اما راهنما می خواهد. بعد از شیخ طوسی کسی که بتواند راهنمای مستعدان باشد، وجود نداشت. از این روی ما با یک قرن رکود مواجه هستیم.

عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- بنابراین:
- ۱- عظمت شیخ طوسی،
- ۲- جوان و بی-تجربه بودن حوزه‌ی نجف،
- ۳- نبودن افراد برجسته در دوره‌ی بعد از رحلت شیخ طوسی،
- ۴- فشار شدید بر شیعیان در اوایل دوره‌ی سلجوقی و ظهور دولت اسماعیلی در ایران،
- همگی از عوامل رکود شیعه در این دوران بود، اما اصلی‌ترین و عمده‌ترین عامل، خود شیخ طوسی بود.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- دو نکته
- در اینجا جا دارد به دو مطلب که شهید صدر در رابطه با رکود در حوزه-ی سنی مطرح کرده است، پردازیم:

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

• ا. رکود حوزه‌ی سنی و انسداد باب اجتهاد

• شهید صدر معتقد است که رکود در حوزه‌ی سنی به منسد شدن باب اجتهاد در آن حوزه منجر شد. دورانی را که شهید صدر بیان می‌کند، همان قرن پنجم و ششم هجری (نیمه‌ی دوم قرن پنجم و نیمه‌ی اول قرن ششم) است. در حالی که مسأله‌ی انسداد باب اجتهاد در حوزه‌های سنی در نیمه‌ی دوم قرن هفتم، یعنی حدود سال‌های ۶۵۰ هـ. ق به بعد و زمان مغول، اتفاق افتاد و بر اثر آن مذاهب سنی در چهار مذهب منحصر شد. پس زمانی که ما مورد مطالعه قرار دادیم با زمانی که شهید صدر بیان می‌کند و انسداد باب اجتهاد را از آن نتیجه می‌گیرد، متفاوت است.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- ب. تحلیل رکود در حوزه‌ی سنی و شیعی
- شهید صدر بعد از این که انسداد باب اجتهاد را نتیجه‌ی رکود حوزه‌ی سنی قلمداد می‌کند، به تحلیل رکود در حوزه‌ی شیعی و سنی می‌نشیند. وی معتقد است، اگر چه هر دو حوزه (شیعی و سنی) دچار رکود شدند، اما عوامل رکود در آنها متفاوت بود. از این روی مسیر آنها نیز در ادامه‌ی تاریخ متفاوت گشت.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- رکود در حوزه‌ی سنی به انسداد باب اجتهاد و منحصر شدن مذاهب در چهار مذهب منتهی شد. در سه قرن چهار و پنج و شش، مذاهب مختلف فقهی و کلامی در بین اهل سنت پیدا گشت. این مذاهب، درگیری‌های فراوانی با هم داشتند که گاهی خونین هم بود. در قرن هفتم مذاهب در چهار مذهب منحصر شد و مذاهب دیگر منقرض گشت. البته درگیری‌های مذهبی همچنان ادامه داشت.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- اما در حوزه‌ی شیعی بعد از یک قرن رکود، شاهد حرکت دوباره‌ی اجتهاد و ادامه‌ی آن هستیم. تفاوت نتایج این دو رکود به علت تفاوت علل و نوع این دو رکود است.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- تفکر سنی به لحاظ توانایی‌های اجتهادی به بالاترین سطح خود رسیده بود و جایی برای رشد بیشتر در بستر تفکر سنی وجود نداشت. روش و مکتب سنی بیشتر از این قابل رشد نبود. تمام قابلیت‌های آن به فعلیت رسیده بود و در قله‌ی رشد خود قرار داشت. از این روی اجتهاد در حوزه‌ی سنی متوقف شد.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- اما در تفکر شیعی مسأله به این شکل نبود. نیروهای توانمند شیعی متمرکز در بغداد از شخصیت مولد اندیشه‌های نو، جدا شدند. شیخ به نجف آمد و حوزه‌ی شیعی جوان نجف، قدرت رسیدن به قله‌ی شیخ را نداشت. بنابراین باید مدتی بگذرد تا افرادی توان رسیدن به افکار بلند شیخ و نقد و بررسی آنها را بیابند. بعد از گذر این زمان که حدود یک قرن به طول می‌انجامد، دوران شکوفایی شیعه دوباره آغاز می‌گردد و باب طرح‌ها و بحث‌های نو باز می‌شود.

بررسی مجدد دیدگاه شهید صدر در باب عوامل رکود

- به تعبیر دیگر رکود در حوزه‌ی سنی، نتیجه‌ی پیری و فرتوتی این تفکر و در حوزه‌ی شیعی، نتیجه‌ی جوانی آن بود. از این روی ثمره‌ی رکود سنی که پیر و فرتوت می‌نمود و قابلیت‌های به فعلیت رسیده داشت، انسداد باب اجتهاد بود و ثمره‌ی رکود شیعی که هنوز جوان بود و منتظر به فعلیت رسیدن قابلیت‌های خویش، حرکتی دوباره در مسیر اجتهاد. در حوزه‌ی سنی انسداد باب اجتهاد تثبیت شد و در حوزه‌ی شیعی باب بحث‌های اجتهادی تازه باز گردید.